

مقایسه بنیادها و درون‌مایه‌های هنر فرارودی با ایران ساسانی*

حسن شجاعی مهر^۱

چکیده

آثار تاریخی به جا مانده در فرارود در شمال شرقی ایران بزرگ در سده‌های سوم تا هفتم میلادی هم از نظر بنیادها و عناصر هنری و هم از نظر درون‌مایه‌ها و مضامین هنری با آثار تاریخی به جا مانده در ایران مرکزی دوره ساسانی تفاوت‌های آشکاری دارد. با مقایسه بنیادها و درون‌مایه‌های آثار تاریخی این دو بخش از ایران بزرگ داده‌های تاریخی غیرمکتوبی بدست می‌آید که می‌تواند در تحلیل‌های تاریخی ایران پیش از اسلام مورد استفاده باشد. در این پژوهش به روش مقایسه‌ای گزیده‌های شاخص و برجسته‌ای از آثار تاریخی فرارود با ایران ساسانی به لحاظ مقایسه بنیادها و درون‌مایه‌های هنری مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هنر فرارود مقارن دوره ساسانی برخوردار از مفاهیم و نمادهای فرهنگ عمومی ایرانی بوده و در بنیادها و درون‌مایه‌های خود بازنمایی بصری گسترده‌ای از فرهنگ محلی دهقانان و بازرگان فرارودی دارد. هنر ساسانی با عدم برخوردارگی از مفاهیم و نمادهای فرهنگ عمومی جامعه ایران در بنیادها و درون‌مایه‌های خود تمرکز زیادی در بازنمایی بصری قدرت شاهنشاهی ساسانی دارد. هنر فرارودی یک تعادل و تناسبی در بازنمایی واقعیت‌های تاریخی جامعه فرارود دارد و دارای سادگی و بی‌پیرایگی و در عین حال یک شیوایی دلپذیر در بیان هنری است در حالی که هنر ساسانی یک عدم تعادل و تناسبی در بازنمایی واقعیت‌های تاریخی جامعه ساسانی دارد و پر از تجمل و خودنمایی و دارای یک بزرگنمایی و اغراق شگفت آور در بیان هنری است. کلید واژه‌ها: فرارود، ایران ساسانی، داده‌های تاریخی غیرمکتوب، فرهنگ عمومی، بنیادهای هنری، درون‌مایه‌های هنری.

Comparing the elements and themes Transoxiana art with the art of Iranian Sassanid era

Hassan Shojaemehr²

Abstract

There is a remarkable difference between the remained monuments in Transoxiana in northeast of Great Iran in the third to seventh century with the remained historical monuments in the central Iran in Sassanid era both in art themes & subjects matter and elements & bases. By comparison of elements and historical themes in these two parts of great Iran, some unwritten historical data can be obtained that can be used in historical analyzing of Iran before Islam. In this survey of comparative method, some outstanding and remarkable selective indexes of Transoxiana historical works have been evaluated with the Iranian Sassanid ones from artistic themes and elements. The findings of this survey shows that Transoxiana art coincided with the Sassanid era contained themes and Iranian popular culture and symbols and its elements and themes, has wide visual culture representation of local culture of peasants and merchants. Sassanid art does not have the concepts and cultural symbols and themes in its foundations focus on the visual representation of the Sassanid Empire. Art of Transoxiana has a balance and proportionality in representation of historical facts of Transoxiana society and the simplicity and non luxury, yet a pleasant fluency in artistic expression while Sassanid art is an imbalance in representation and appropriateness of historical facts of Sassanid society full of pomp and show and has a surprising exaggerating artistic expression.

Keywords: Transoxiana, Iranian Sassanid era, Art of Elements, Art of Themes, Popular culture, Historical data unwritten.

۱. دکترای تاریخ و مدرس مهمان در گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی * هزینه چاپ رنگی عکس‌های این مقاله توسط نویسنده

تأمین شده است. تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۰/۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱/۲۵

2. Ph.D in history, and instructor at the History Department of Shahid Beheshti University. E-mail: Hassan_shojaemehr@yahoo.com

مقدمه

فرارود (فراسوی آمودریا) سرزمینی در شمال شرق ایران بزرگ است که از دریای کاسپین (خزر) تا چین را شامل می‌شود. مرزهای سیاسی کنونی فرارود افغانستان شمالی، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان جنوبی و ایالت خود مختار اویغورستان چین^۳ (ترکستان شرقی) را فرا گرفته است. آمودریا (جیحون) و سیردریا (سیحون) و رود زرافشان (رود سُغد) رودخانه‌های مهم این سرزمین است که با بیابان‌ها، استپ‌ها و کوه‌ها احاطه شده است. فرارود مسیر اصلی کاروان‌های تجاری شرق به غرب آسیا بوده است و بازرگانان فرارودی همچنان که نقش مهمی در تبادل کالا میان چین، ایران، هند و استپ‌های شمالی ایفا می‌کردند. در تبادل فرهنگی میان این سرزمین‌ها نقش به‌سزایی داشتند. آنان همزمان با انتقال ابریشم چینی به غرب فرهنگ بودایی را در چین گستراندند. فرارودیان با زبان‌های مختلف ایرانی مانند سغدی، خنتی سکایی، اشکانی، خوارزمی، باختری (بلخی) و تُخاری با همسایگان و شرکای تجاری خود سخن می‌گفتند و در پیوند با دین‌های گوناگون بودایی، زرتشتی، مانوی، نستوری، یهودی و شمنیزم بودند.

آثار به یاد ماندنی از هنر پیش از اسلام در فرارود بیشتر مقارن با سلسله اشکانی و ساسانی در ایران مرکزی است. هنر پیش از اسلام در فرارود دارای یک آمیختگی و چند فرهنگی بوده است و از فرهنگ بودایی هند، ایران پیش از اسلام (زرتشتی، مانوی و...)، فرهنگ یونانی مآبی (سنت هنری هلنی)، فرهنگ چینی اوایل قرون وسطا و فرهنگ شمنیزم ترکان صحرانورد الهام گرفته است. آثار متنوعی این گوناگونی فرهنگی هنری را نمایان می‌سازد.

ایران دوره ساسانی میان سده‌های سوم تا هفتم میلادی مرزهای سیاسی از جیحون تا فرات را در بر می‌گرفت. شاهنشاهی ساسانی حکومتی مقتدر و متمرکز را با محوریت شاه در ایران مرکزی اداره می‌کرد. دین رسمی زرتشتی ساسانی بود که به وسیله حکومت پشتیبانی می‌شد و همواره درباره گسترش سایر ادیان سخت‌گیری شدیدی از خود نشان می‌داد. جامعه ساسانی جامعه طبقاتی با اقلیتی از موبدان و سپاهیان و دبیران قدرتمند و ثروتمند بود و اکثریت جامعه سهمی از قدرت و ثروت نداشتند.

آثار هنری ساسانی نیز تمرکز قدرت و اقتدار خداگونه شاه را نمایان می‌سازد. هنر ساسانی شکوه و عظمت شاهنشاهی را به نمایش می‌گذارد. این هنر تحت تاثیر هنر هخامنشی و اشکانی بوده و از هنر بیزانسی هم تاثیر زیادی گرفته است.

۳. Xinjiang or Sinkiang (Serindia) تلفظ محلی شین جیان یا تلفظ بین المللی سین کیانگ.

مسأله تحقیق

دو نکته مهم پیش از ارائه موضوع، نخست این که پژوهشگران تاریخ‌نگاری که در مورد تحولات تاریخ ایران از اواخر دوره ساسانی به اوایل دوره اسلامی تحلیل تاریخی ارائه داده‌اند با دو رویکرد برخاسته از دو اندیشه پیشینی ارائه نظر کرده‌اند؛ یا جامعه ساسانی را دارای یک تمدن بسیار بزرگ و درخشان دانسته و درست در نقطه مقابل بر خلاف این نظر، جامعه ساسانی را یک تمدن پست و ناچیز انگاشته و با این رویکردها به سراغ منابع و شواهد تاریخی رفته و تحلیل‌های خود را بر اساس آن اندیشه پیشینی طرح کرده‌اند.

روش این تحقیق رویکردی از پایین به بالا دارد یعنی با بررسی شواهد مادی با فقدان عناصر و مضمون‌هایی روبرو می‌شود و ناگزیر به طرح پرسش‌هایی از چرایی این فقدان‌ها طرح می‌کند. دوم این که در پژوهش‌های تاریخی توجه به داده‌های مادی دارای اهمیت قابل توجهی است و مطالعه این آثار مادی در تاریخ است که تاریخ پژوهی قدیم و جدید را از هم متمایز می‌کند و اکثر پژوهش‌های تاریخی که توسط تاریخ‌پژوهان ایرانی انجام گرفته کمتر به داده‌های مادی توجه شده و بیشتر به داده‌های تاریخی مکتوب تکیه دارد. در حالی که در پژوهش‌های تاریخ جدید از داده‌های تاریخی مادی بسیار استفاده می‌شود و هر جا تناقضی میان داده‌های مکتوب و غیر مکتوب آشکار می‌گردد، داده‌های تاریخی مادی و غیر مکتوب ترجیح و اولویت دارد.

تاریخ ساسانی در بیشتر موارد شاهنشاهی محور نوشته شده و به دنبال آن پژوهش‌های متاخر نیز آن را شاهنشاهی محور تحلیل کرده‌اند. آثار هنری دوره ساسانی نوشته‌های نامکتوب تاریخ‌اند. آثار هنر و معماری ساسانی داده‌های تاریخی غیر مکتوب بسیار مهمی برای بازسازی تصویر تاریخی به ما ارائه می‌دهد. با بررسی این آثار می‌توانیم ایران ساسانی را از وضعیت شاهنشاهی محوری به تمدن محوری بازسازی و بازبینی نماییم.

مسأله تحقیق این است که آثار تاریخی به جا مانده در فرارود در سده‌های سوم تا هفتم میلادی مقارن با دوره ساسانی هم از نظر بنیادها و عناصر هنری و هم از نظر درون‌مایه‌ها و مضامین هنری با آثار تاریخی به جا مانده در ایران مرکزی تفاوت‌های آشکاری دارد. با تامل در آثار هنری دوره ساسانی متوجه می‌شویم؛ هنر ساسانی یک هنر شاهنشاهی است. فقدان آشکاری از هنر مردم و فرهنگ عمومی در هنر ساسانی مشهود است. هنر مذهبی ساسانی نیز هنر شاهنشاهی است و اهورامزدا، آناهیتا و میترا را در خدمت پادشاهان به نمایش می‌گذارد. در این هنر اهورامزدا در خدمت مردم فقدان آشکاری دارد. نبود عناصر تمدنی طبقه دهقان - بازرگان در ایران ساسانی همزمان

با وجود آن در ایران پیرامونی و به ویژه در فرارود یک تفاوت آشکاری را میان این دو بخش از ایران نمایان می‌سازد. توجه به داده‌های تاریخی غیر مکتوب الگوی جدیدی را نشان می‌دهد و این فرضیه را تقویت می‌کند که ایران ساسانی دارای یک تمدن شاهنشاهی بوده که در آن مقام پادشاهی بسیار تقویت شده و جامعه طبقاتی قوت گرفته و طبقه روحانیان اقتدار یافته در حالی که فرهنگ شهرنشینی رو به ضعف نهاده و طبقه دهقان-بازرگان تضعیف شده و از سنت‌های بومی به شدت کاسته شده است. در همین دوره در ایران پیرامونی در فرارود فرهنگ شهرنشینی تقویت شده طبقه دهقان-بازرگان نیرو گرفته و پایبندی به سنت‌های بومی افزون گشته و جامعه چند فرهنگی و چند آیینی رشد یافته است.

ادبیات تحقیق، مطالعه و بررسی پژوهش‌های تاریخی انجام شده در دوره ساسانی توسط تورج دریایی مانند تاریخ و فرهنگ ساسانی^۴، شاهنشاهی ساسانی^۵، امپراتوری ساسانی^۶ و ساسانیان^۷ نشان می‌دهد که این پژوهشگر رویکردی متفاوت با پژوهشگران سنتی دوره ساسانی و تاریخ باستان ایران داشته و به داده‌های مادی و غیرمکتوب اهمیت به جایی داده و در تحلیل‌های تاریخی خود از این داده‌ها بهره گرفته است.

پرسش‌های تحقیق عبارتند از این که چرا هنر فرارود مقارن دوره ساسانی با هنر ایران ساسانی از نظر بنیادها و عناصر سازنده تفاوت آشکاری دارند؟ به عبارت دیگر بنیاد‌های هنری در فرارود اغلب مواد و مصالح در دسترس همگان و کم ارزش است و در بیشتر موارد مواد و مصالح هنر ایران ساسانی تنها برای شاه و درباریان مقدور و بسیار پر بها می‌باشد. گل، سفال، گچ، چوب و مفرغ عناصر سازنده هنر فرارودی را تشکیل می‌دهند در حالی که سنگ، طلا و نقره و ابریشم عناصر سازنده هنر ساسانی را شکل می‌دهد. پرسش دیگر آن که چرا هنر فرارودی از نظر درون مایه و مضمون با هنر ساسانی تفاوت بسیار زیادی دارد؟ چرا هنر فرارودی بازنمایی بصری گسترده‌ای از فرهنگ عمومی جامعه خود دارد و فرهنگ محلی جامعه دهقان-بازرگان را به شیوایی و سادگی با تمام جزئیات نمایان می‌سازد و این هنر از اسطوره‌ها و حماسه‌ها و آیین‌های ایرانی بهره فراوانی برده است در حالی که هنر ساسانی از تمامی این درون مایه‌ها محروم است؟

این تحقیق بر اساس روش مقایسه‌ای و تحلیل داده‌های تاریخی غیر مکتوب در فرارود و ایران

۴. تورج دریایی. تاریخ و فرهنگ ساسانی. ترجمه مهرداد قدرت دیزجی. تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.

۵. همو. شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.

۶. همو. امپراتوری ساسانی. ترجمه خشایار بهاری. تهران: فرزانه، ۱۳۹۳.

۷. همو. ساسانیان. ترجمه شهرناز اعتمادی. تهران: توس، ۱۳۹۳.

مرکزی در دوره ساسانی بر اساس مقایسه بنیادها و درون‌مایه‌های آثار تاریخی به جا مانده از این دوره در این دو منطقه انجام شده است.

متن

با توجه به این که بازرگانان سغدی پیش از اسلام نقش بسیار مهمی در تجارت میان شرق و غرب ایفا می‌کردند از این رو فرارود اقتصاد بازرگانی رشد یافته‌ای پیدا کرد و این رونق اقتصادی موجب گردید هنر سغدی در شهرهای فرارود به شکوفایی والایی برسد. به ویژه هنر سغدی در سده ششم میلادی به اوج شکوفایی خود رسید. هنر سغدی این دوره نمایانگر ارزش‌ها و سبک زندگی دهقانان و بازرگانان فرارود است.

مهمترین داده‌های تاریخی مادی غیر مکتوب در فرارود: این داده‌ها در پیش از اسلام

میان سده‌های سوم تا هفتم میلادی (مقارن دوره ساسانی) به شرح زیر است:

نقاشی‌های دیواری: نقاشی‌های دیواری یا دیوارنگاره‌ها بر روی معماری‌های خشتی شهرهای فرارود مهمترین بیان هنری فرهنگ سغدی به شمار می‌آید. این نقاشی‌ها یا نگاره‌ها در دیواره کاخ و اتاق‌های خانه‌های شهرهای فرارود اغلب بر روی لایه‌ای از گچ و یا خاک‌رس تصویر شده است. مهمترین شهرهایی که این دیوارنگاره‌ها در آن کشف شده عبارتند از:

- پن‌جیکنت در ۷۰ کیلومتری شرق شهر سمرقند ولی در غرب تاجیکستان کنونی واقع شده است. مهمترین دیوارنگاره‌های سغدی در پن‌جیکنت اغلب متعلق به سده ششم تا هشتم میلادی می‌باشد. نخستین این نقاشی‌ها در معبد یا زیارتگاه دوم واقع است. این نقاشی‌ها در پیوند با یک هنر غیر بودایی سغدی به سبک شمایل‌نگاری در قالب سنت نقاشی تُخارستانی است. درون‌مایه این نقاشی‌ها روایتی از فرهنگ بومی فرارود دارد. نقش‌های این معبد یا نیایشگاه دارای نگاره‌هایی از خدایان ایرانی مانند میترا و نانا و همچنین مراسم سوگواری و تشییع جنازه است.^۸ نگاره‌های مذهبی از خدایان و اهریمن و تصویرهای قهرمانانه، جنگاوری، حماسی و افسانه‌ای از دیگر درون‌مایه‌ها در دیوارنگاره‌های پن‌جیکنت است.^۹ این تصاویر ترکیبی از تأثیرات

8. G. Azarpay. ART IN IRAN vi. PRE-ISLAMIC EASTERN IRAN AND CENTRAL ASIA. Encyclopaedia Iranica. Vol. II, Fasc. 6, pp. 595-603.

۹. گراگور فرامکین، باستان‌شناسی در آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی، (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲)

ایرانی، هندی، بودایی و مانوی را نشان می‌دهند. برخی از مهمترین دیوارنگاره‌های پنجیکنت به این شرح می‌باشند:

- دیوارنگاره افسانه تخم طلا بر اساس یکی از افسانه‌های ازوپ^{۱۰} (شکل ۱)
- دیوارنگاره سوگواری که به سوگ سیاوش مشهور است.^{۱۱} در این تصویر سیاوش را پشت تاق‌ها و همچنین تابوت را می‌بینیم که آن را حاملان جنازه بر دوش می‌کشند و پیرامون آنها را سوگواران گریان گرفته‌اند. سایر سوگواران در جلو دیده می‌شوند. امکان دارد بعضی از آن‌ها ترک و برخی دیگر سغدی باشند و این نقش متعلق به سده هفتم و هشتم میلادی است.^{۱۲} (شکل ۲)
- دیوارنگاره نیایشگاه که بیشتر به یک آتشکده زرتشتی شباهت دارد. (شکل ۳)
- دیوارنگاره هموردی که به هموردی رستم و سهراب شباهت دارد. (شکل ۴)
- دیوارنگاره نیایش که به نظر می‌رسد در پیوند با آیین بودایی باشد. (شکل ۵)
- دیوارنگاره‌ای که در سمت چپ به میدان نبرد و به یک نبرد حماسی شباهت دارد (شکل ۶-۱) و در سمت راست یک چنگ نواز را با ظرافت تمام تصویر کرده است. (شکل ۶-۲) این تصویر متعلق به سده هفتم میلادی است.
- دیوارنگاره‌ای باحکایتی که خدایان را با بال‌هایشان نشان می‌دهد. (شکل ۷)
- دیوارنگاره‌ای از یک مجلس که در آن دو نفر را مشغول بازی تخته‌نرد یا شطرنج را نشان می‌دهد. بازی مفهوم نمادین دارد احتمالاً متکی بر واقعه‌ای بر حیات پیشین بودا است. این نقش متعلق به سده هفتم میلادی است.^{۱۳} (شکل ۸)
- دیوارنگاره حکایت سرچشمه به نظر می‌رسد یک داستان سغدی باشد. (شکل ۹)
- دیوارنگاره سواران که یک مرد و یک زن سغدی را سوار بر اسب نشان می‌دهد. (شکل ۱۰)
- دیوارنگاره ضیافت دهقانان سغدی که با توجه با کلاه‌های شبیه جنگجویان شاید مجلس

۱۰. قصه و افسانه نویسنده اهل سارد که در سده ششم پیش از میلاد می‌زیسته و سیصد و چهار افسانه به مانند امثال و حکم از او نقل شده و برخی شاعران ایرانی مانند ناصر خسرو قبادیانی و مولوی بلخی داستانهای او را در آثار خود آورده‌اند.

۱۱. گراگور فرامکین. باستان‌شناسی در آسیای مرکزی. ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی. (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲) ص ۱۲۲؛ الکساندر مارکوویچ بلنیتسکی. هنر تاریخی پنجیکنت نقاشی و پیکرتراشی. ترجمه عباس علی عزتی. (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۰) ص ۱۴-۱۶.

۱۲. تامارا تالبوت رایس. هنرهای باستانی آسیای مرکزی. ترجمه رقیه بهزادی (تهران: گستره، ۱۳۸۹) ص ۱۱۷.

۱۳. همان، ص ۱۲۰.

- میگساری پس از جنگ در سده هفتم میلادی باشد.^{۱۴} (شکل ۱۱)
- دیوارنگاره‌های مردان سغدی که در هر کدام چند مرد را نشسته در حال نوشیدن از پیاله نشان می‌دهد که متعلق به سده‌های ۷-۸ میلادی است. (شکل ۱۲-۱) این تصاویر احتمالا مربوط به جشن نوروز و بهار است. چرا که برخی از مردان شاخه‌ای از شکوفه بادام در دست دارند. تصویر دیگر متعلق به دواشتیج شهریار پنجیکنت در ضیافت بهار است.^{۱۵} (۱۲-۲)
 - دیوارنگاره با حاشیه تزئینی متعلق به سده پنجم میلادی با مضمون حماسی نبرد با اژدها که در معبد یکم قرار دارد. این تصویر احتمالا در پیوند با شاهنامه و منظره ویژه رستم در حال کشتن اژدها است.^{۱۶} (شکل ۱۳)
 - دیوارنگاره تشریفات مذهبی زائران با گل نیلوفر متعلق به سده هفتم میلادی (شکل ۱۴)
 - نقش اهریمن متعلق به سده‌های ۷-۸ میلادی (شکل ۱۵)
 - دیوارنگاره نبرد دیوان متعلق به سده‌های ۷-۸ میلادی (شکل ۱۶)
 - نقش خدای سه سر متعلق به سده‌های ۷-۸ میلادی (شکل ۱۷)
 - وَرَخْشَه در پیرامون شهر بخارا در ازبکستان کنونی واقع است. اغلب نقاشی‌های دیواری وَرَخْشَه متعلق به سده‌های هفتم و هشتم میلادی می‌باشد. در وَرَخْشَه اهورامزدا در حال نبرد با جانوران شرور بوده و همچنین صحنه‌هایی از بهشت ترسیم شده که به هنر مذهبی ایرانی تعلق دارند.^{۱۷} در وَرَخْشَه تصاویر شکار و مناظر طبیعی هم دیده می‌شود. مهم‌ترین دیوارنگاره‌های وَرَخْشَه به این شرح می‌باشند:
 - دیوارنگاره شکارچی فیل سوار که در حال مبارزه پلنگی است که دندان‌های خود را به بدن فیل فرو برده است و مردی مه روی سر فیل نشسته نیزه خود را به بدن پلنگ دیگری فرو برده است این تصاویر متعلق به سده پنجم تا هفتم میلادی است. (شکل ۱۸)
 - دیوارنگاره نیایشگاه که با توجه به نقش موبد و مجمره آتش به نظر می‌رسد یک آتشکده زرتشتی متعلق به سده هفتم میلادی باشد.^{۱۸} (شکل ۱۹)

۱۴. تامارا تالبوت رایس. هنرهای باستانی آسیای مرکزی. ترجمه رقیه بهزادی (تهران: گستره، ۱۳۸۹) ص ۱۲۳.

۱۵. همان، ص ۱۲۰.

۱۶. همان، ص ۱۲۱.

17. Markus Mode.SOGDIANA vi. SOGDIAN ART.Encyclopaedia Iranica.

۱۸. الکساندر مارکوویچ بلنیتسکی، هنر تاریخی پنجیکنت نقاشی و پیکرتراشی. ترجمه عباس علی عزتی. (تهران: فرهنگستان

هنر، ۱۳۹۰) ص ۱۳.

• تپه افراسیاب در شهر سمرقند در ازبکستان کنونی واقع است. نقاشی‌های دیواری متعلق به سده سوم تا چهارم میلادی می‌باشد. برخی از تصاویر مانند نقاشی دیوار تالار سفیران افراسیاب در سمرقند دارای شکوه زیادی بوده به هنر طبقه ثروتمند تعلق دارد. مهمترین دیوارنگاره‌های افراسیاب به این شرح می‌باشند:

- دیوارنگاره سفیران متعلق به سده هفتم میلادی (شکل ۲۰)

- دیوارنگاره حاملان هدایا (شکل ۲۱)

- دیوارنگاره زنان سوار بر زورق متعلق به سده هفتم میلادی (شکل ۲۲)

- دیوارنگاره کشتی‌گیران متعلق به سده هفتم میلادی (شکل ۲۳)

• آجنه تپه (آژینا تپه) در ۱۲ کیلومتری شرق شهر قورغان تپه در جنوب تاجیکستان کنونی واقع است. آثار آن متعلق به سده هفتم میلادی است. مهمترین دیوارنگاره‌های آجنه تپه (آژینا تپه) به این شرح می‌باشند:

- دیوارنگاره حمل هدایا متعلق به سده هفتم میلادی (شکل ۲۴)

- دیوارنگاره میهمانی متعلق به سده های ۵-۶ میلادی (شکل ۲۵)

• بالالیق تپه (بالالیک تپه) در ولایت سرخان دریا در جنوب ازبکستان کنونی واقع است. متعلق به سده‌های پنجم و ششم میلادی مهمترین دیوارنگاره بالالیق تپه دیوارنگاره ضیافت متعلق به سده‌های پنجم و ششم میلادی (شکل ۲۶) می‌باشد. تصویر جانوران با دندان های دراز روی لباس ها دیده می شود.

• تورفان شهری باستانی در اویغورستان چین است که دیوارنگاره‌های مشهوری دارد که دو نمونه آنها به شرح زیر است:

- دیوارنگاره مانوی متعلق به سده هشتم میلادی احتمالاً مانوی و پیروانش را نشان می‌دهد.^۹ (شکل ۲۷)

- دیوارنگاره نستوری با نقش راهبان مشهور به روز پیروزی یا یکشنبه نخل در یک معبد نستوری در کوسو (خوجو) نزدیک تورفان متعلق به سده هفتم تا هشتم میلادی (شکل ۲۸)

• غارهای بودایی بازالیق (بَزَکلیک یا بازاکلیک) نزدیک دریاچه نمک لوپ نور میان شهرهای تورفان و کروران در اویغورستان چین دارای دیوارنگاره‌های بسیار زیادی در یک مجموعه غار

۱۹. تامارا تالیوت رایس. هنرهای باستانی آسیای مرکزی. ترجمه رقیه بهزادی (تهران: گستره، ۱۳۸۹) ص ۲۲۵.

بسیار بزرگ است که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

- دیوارنگاره بودایی نقش حاملان هدایا از سرزمین سغد (شکل ۲۹)
- دیوارنگاره زنان اویغور احتمالاً دو شاهزاده خانم متعلق به سده هشتم میلادی (شکل ۳۰)
- دیوارنگاره مردان اویغور متعلق به سده هشتم میلادی (شکل ۳۱)
- غارهای بودایی قزل در ۷۵ کیلومتری غرب شهر باستانی کوچا در اویغورستان چین است که دیوارنگاره‌های زیادی دارد که دو نمونه آن به شرح زیر است:
 - دیوارنگاره شاهزادگان تخارستانی با لباس‌هایی با نقوش سغدی متعلق به سده‌های پنجم و ششم میلادی (شکل ۳۲)
 - دیوارنگاره شاگردان بودا (شکل ۳۳)

تعداد دیگری از دیوارنگاره‌ها در محوطه‌های باستانی فرارود مانند فیاض‌تپه، قره‌تپه و دلبرجین‌تپه (دالورزین‌تپه) که مضمون آن اهداکنندگان معبد است که نقاشی شده روی گچ و متعلق به سده‌های دوم تا چهارم میلادی در نزدیکی ترمذ می‌باشد و همچنین دیوارنگاره‌هایی در محوطه تاریخی شهرستان در منطقه اسروشنه در تاجیکستان و محوطه باستانی جارتپه در شرق سمرقند که متعلق به سده سوم تا چهارم میلادی و محوطه تاریخی یرقورغان در نزدیک نَسَف (قرشی) که متعلق به سده سوم تا چهارم میلادی در ازبکستان بدست آمده است.

اُستودان‌ها: از دیگر آثار هنر سغدی می‌توان به اُستودان‌های زرتشتی و نقش‌های روی آنها نام برد. آثار منقوش روی اُستودان‌های سغدی دارای درون‌مایه‌های گوناگونی مانند آیین‌های سوگواری، آداب و رسوم مراسم تشییع جنازه، صحنه‌های زندگی پس از مرگ، ایزدان زرتشتی، کاهنان، آتشدان و محراب را نشان می‌دهند. مهمترین اُستودان‌های کشف شده در مناطق مختلف فرارود عبارتند از:

- توک قلعه بر فراز کوه توک-تائو در ۱۴ کیلومتری شمال غرب شهر نوکوس در خوارزم در ازبکستان کنونی واقع است. اُستودان‌های این گورستان خوارزمی از رخام گچی، مرمر یا گل و متعلق به دوره دوم شهرنشینی در سده‌های هفتم و هشتم میلادی است. نقش‌های این اُستودان صحنه‌های سوگواری و مراسم تشییع جنازه است. مشابه این تصویرها بر روی گلدان سفالی مشهور مرو و همچنین در یک نقاشی دیواری سغدی در پَنجیکنت متعلق به سده ششم میلادی هم دیده می‌شوند. (شکل ۳۴)

- بیا نایمان روستایی در نزدیک کته قورغان در استان سمرقند ازبکستان است که اُستودانی از گِل رُس با نقوش زرتشتی متعلق به سده ششم یا هفتم میلادی در آن بدست آمده است. در این اُستودان چهار نقش که احتمالاً متعلق به شخصیت های مذهبی است که یکی ظرفی برای قربانی در دست دارد نقش کنار او ممکن است یک موبد زرتشتی یا یک شاهزاده باشد. این چهار نفر زیر تاق های کوچکی ایستاده اند که ستون هایی آن تاق ها را نگه می دارد. عصای آن ها که دارای سر مار است.^{۲۰} (شکل ۳۵)
- یومالاک تپه (جومالاک تپه) نزدیک شهر سبز (نام نوی شهر تاریخی کش) در ازبکستان که اُستودان بدست آمده از آن با نقوش ایرانی متعلق به سده های ۶-۷ میلادی است. (شکل ۳۶)
- سمرقند در ازبکستان که اُستودان های بدست آمده در آن با نقوش گوناگون و درون مایه های متنوع اغلب متعلق به سده های هفتم و هشتم میلادی است. (شکل ۳۷)
- ملاقورغان در نزدیک سمرقند در ازبکستان که یک اُستودان زرتشتی متعلق به سده های هفتم و هشتم میلادی در آنجا بدست آمده است. (شکل ۳۸)
- کوی - قریلقان قلعه (کوی کربلگان) در جنوب صحرای قزل قوم در خوارزم در ازبکستان کنونی که اُستودانی کشف شده که به نحو بدیعی شکل انسان دارد و متعلق به سده های دوم و سوم میلادی است. (شکل ۳۹)
- قلعه تودا نزدیک شهر کلان در شمال تاجیکستان که پاره هایی از تزیینات عاج از یک تابوت با نقش دو فرشته در حال پرواز متعلق به سده های پنجم و ششم میلادی در آنجا بدست آمده است. (شکل ۴۰)

نقش برجسته ها: از دیگر آثار هنر سغدی می توان نقش برجسته های روی سنگ و یا خاک رس (گل) و یا مخلوط گچ و خاک رس را نام برد. برخی از نقش برجسته هایی که تاکنون در فرارود یافت شده اند عبارتند از:

- فیاض تپه معبد بزرگ بودایی در نزدیک ترمذ در جنوب ازبکستان است که آثار آن در پیوند با دوره کانیشکای کوشانی بوده و متعلق به سده های دوم تا چهارم میلادی است. مهمترین نقش برجسته های این معبد بودایی عبارتند از: نقش برجسته بودا (شکل ۴۱)؛ نقش برجسته راهبان؛ نقش برجسته شیردال (عَنقا)

- اویغورستان در چین نیز تعدادی از نقش برجسته‌های سغدی را دارد. نقش برجسته سنگی از سنگ آهک با نقش‌های سغدی در بخش‌های مختلف از جمله مراسم جشن، مراسم سوگواری، بازرگانان سغدی با لباس‌های سغدی متعلق به سده ششم میلادی که درون مایه‌هایی از فرهنگ سغدی را نشان می‌دهد. این نقش برجسته در شهرآنیانگ در استان هنان چین یافت شده است. (شکل ۴۲) همچنین نمونه‌های از نقش برجسته‌های سنگی نستوری متعلق به سده‌های هفتم و هشتم میلادی در اویغورستان وجود دارد.
- دَلبرجین تپه (دالورزین تپه) دارای چند نقش برجسته گلی با درون‌مایه خدایان سغدی است که متعلق به سده‌های ششم و هفتم میلادی می‌باشد. (اشکال ۴۳ و ۴۴)
- وَرَخْشَه در پیرامون بخارا در ازبکستان نیز یک نقش برجسته مشهور به نام شکارچی سوار بر اسب دارد. (شکل ۴۵)

سفالینه‌ها: از دیگر آثار هنر سغدی می‌توان آثار سفالی متنوع فرارودی را نام برد. این آثار به فراوانی در مناطق مختلف کشف شده است ولی چند نمونه با اهمیت آن از لحاظ بنیاد و درون‌مایه به شرح زیر است:

- مرو که محل کشف یک گلدان سفالی مشهور می‌باشد که با نقوش رنگی از صحنه‌هایی از زندگی پیش از مرگ و مراسم تدفین یک مرد را به نمایش گذاشته و متعلق به سده پنجم میلادی است.^{۲۱} (شکل ۴۶)
- کافر قلعه (کفیر قلعه) در ازبکستان که یک کوزه سفالی با نقش یک مرد متعلق به سده‌های هفتم و هشتم میلادی در آنجا بدست آمده است. (شکل ۴۷)
- همچنین پاره‌ای از یک سفالینه با نقش شکار شیر یافت شده است (شکل ۴۸)
- پوشنگ روستایی در منطقه دَنگَرَه در جنوب تاجیکستان پاره‌ای از یک سفالینه با نقش یک خدای مرد با بچه‌ای در کنارش متعلق به سده‌های سوم و چهارم میلادی در آن بدست آمده است. (شکل ۴۹)
- دَرَه چُوی در حوزه رودخانه چُو میان قرقیزستان و قزاقستان کنونی که یک کوزه سفالی با نقش یک مرد متعلق به سده‌های هفتم و هشتم میلادی در آنجا بدست آمده است. (شکل ۵۰)

۲۱. گراگور فرامکین. باستان‌شناسی در آسیای مرکزی. ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی. (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲) ص ۲۳۵-۲۳۷؛ گالینا پوگاخچکوا. هنر در آسیای مرکزی. ترجمه ناهید کریم زندی. (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۲).

- بورازان نزدیک ختن در اویغورستان یک کوزه سفالی با نقش خدایان متعلق به سده پنجم و ششم میلادی بدست آمده است. (شکل ۵۱)

کنده کاری های روی چوب: از دیگر آثار هنر سغدی می توان همچنین کنده کاری های روی چوب نام برد. این آثار دارای تنوع زیادی بوده و به لحاظ بنیاد و درون مایه موضوع های متفاوتی را شامل می شوند. کنده کاری های روی چوب در تزیینات داخلی و در درها و چارچوب درها و همچنین در سقف بناها به فراوانی در هنر سغدی دیده می شود. درون مایه های این نقوش اشکال هندسی و گل و گیاه و حیوانات و جملاتی در نیایش با خدایان می باشد. تصاویر مذهبی از خدایان و اهریمن و تصاویر قهرمانانه، جنگاوری، حماسی و افسانه ای این تصاویر ترکیبی از تاثیرات ایرانی، هندی، بودایی و مانوی دارند. مهمترین نمونه های کشف شده عبارتند از:

- پَنجیگَنت عناصر مشابه نقاشی های دیواری در کنده کاری های روی چوب در پَنجیگَنت و در تاجیکستان نیز یافت شده است. پیکره یک زن سغدی (شکل ۵۲) و کنده کاری روی در چوبی با یک نقش افسانه ای (شکل ۵۳) متعلق به سده هفتم میلادی محصول مکتب هنری پَنجیگَنت از جمله مهمترین آنها است.
- آب بُردان (ابوردون) در شمال تاجیکستان کنونی که یک ستون کنده کاری شده چوبی متعلق به پیش از اسلام در آنجا یافت شده است. (شکل ۵۴)
- آثار دیگر کنده کاری روی چوب در محوطه های تاریخی شهرستان در اُسروشنه و در قویروق تپه در منطقه اُترار قزاقستان و همچنین در یومالاک تپه (جومالاک تپه) در جنوب ازبکستان به فراوانی یافت شده است.

فلز کاری: از دیگر آثار هنر سغدی می توان به ظروف نقره و مفرغی اشاره کرد. هنر فلز کاری در سغد پیش از اسلام دارای طرح های متنوعی از خدایان و حیوانات افسانه ای و موضوع های انسانی و زندگی طبیعی است. چند نمونه با اهمیت عبارتند از:

- جام نقره ای با نقش سیمرغ افسانه ای متعلق به سده های ششم و هفتم میلادی (شکل ۵۵)
- قاب نقره ای با نقش اناهیتا سوار بر پلنگ به همراه خدایان زرتشتی متعلق به سده هفتم و هشتم میلادی که در خوارزم یافت شده است. (شکل ۵۶)
- کاسه برنزی با نقش یک بازرگان سغدی سوار بر اسب متعلق به سده هفتم میلادی که

درخوارزم یافت شده است. (شکل ۵۷)

- جام نقره‌ای سمرقند با نقش‌های اسطوره‌ای متعلق به سده پنجم میلادی (شکل ۵۸)
 - پیکره مرد سُغدی از جنس برنز در حال پایکوبی و دست افشانی متعلق به سده هفتم میلادی مربوط به هنر سغدی در اویغورستان (شکل ۵۹)
- و چند مجسمه فلزی از خدایان و مجسمه‌هایی به اشکال گاو و بز در نقاط مختلف تاجیکستان از جمله در اِسْفَره یک مجسمه برنزی از سر یک بز شاخ‌دار و همچنین مجسمه نقره‌ای یک الهه به ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر در جارتپه در ازبکستان در نقاط مختلف فرارود بدست آمده است.

پیکره‌های سفالی: از دیگر آثار هنر سغدی می‌توان به مجسمه‌هایی از خاک رس (گل) نام برد. این پیکره‌های مربوط به طبقات مختلف جامعه و اغلب به طبقه دهقان و بازرگان تعلق دارد. چند نمونه مشهور عبارتند از:

- فَنَدَقِستان در منطقه پروان در شمال افغانستان که یک مجسمه سفالی از یک مرد و زن نشسته بر تخت متعلق به سده‌های ششم و هفتم میلادی بدست آمده است. (شکل ۶۰)
- توپراق قلعه (توپراق قلعه) که در شمال شرقی شهر بیرونی در خوارزم در ازبکستان کنونی است و مجسمه‌های از گل که روی آن نقاشی شده و متعلق به دوره نخست شهرنشینی در سده‌های سوم و چهارم میلادی در آنجا بدست آمده است. (شکل ۶۱)
- قُبا (قوا یا کُوا) در منطقه فرغانه در شرق ازبکستان است که یک مجسمه مشهور به سر شیطان مربوط به سده هفتم میلادی در آن یافت شده است. (شکل ۶۲)
- تَرِمِذ در جنوب ازبکستان که یک پیکره گلی رنگ آمیزی شده از یک زن سغدی با کلاه در آنجا پیدا شده است. (شکل ۶۳)
- زُکُوتپه در منطقه ریگار (تورسان زاده) در غرب دوشنبه در تاجیکستان که سردیس یک مرد سغدی متعلق به سده پنجم میلادی در آن پیدا شده است. (شکل ۶۴)
- کوچا شهر تاریخی در اویغورستان چین که پیکره‌های سفالی رامشگران سغدی در آن پیداشده است. (شکل ۶۵)
- تپه افراسیاب در سمرقند پیکره گلی که احتمال می‌رود آناهیتا باشد (شکل ۶۶) و یک پیکره زن سوار متعلق به سده‌های ششم و هفتم میلادی در آنجا یافت شده است.
- اَجَنه تپه (اژینا تپه) در جنوب تاجیکستان که سردیس یک راهب (شکل ۶۷) و همچنین سردیس

یک زن و چند پیکره گلی از بودا متعلق به سده‌های هفتم و هشتم میلادی در آنجا یافت شده است.

- سمرقند نیز پیکره‌های زیادی در موزه خود دارد که از جمله دو پیکره سفالی از زنان سغدی مربوط به سده سوم میلادی (اشکال ۶۸) و یک پیکره سفالی مربوط به یک زن نوازنده سغدی است. (شکل ۶۹)

همچنین در پنجیکنت مجسمه‌های از شیوا و الهه نانا متعلق به سده ششم میلادی و در فیاض تپه پیکره‌هایی از بودا و بودی‌ستوا متعلق به سده‌های دوم تا چهارم میلادی و در کوی-قریلقان قلعه (کوی-کریلگان قلعه) در خوارزم مجسمه‌های سفالی متعلق به امیران خوارزم و در قورغان در نزدیک ترمذ در جنوب ازبکستان نیز مجسمه نقاشی شده متعلق به هنر سغدی بدست آمده است.

پیکره‌های سنگی: مهمترین پیکره‌های سنگی یافت شده در فرارود عبارتند از:

- آیرتام (آیرتم) در ۱۸ کیلومتری شرق ترمذ در منطقه سُرخان دریا در ساحل آمودریا در جنوب ازبکستان نخستین آثار هنر بودایی فرارود که تندیس نوازندگان از سنگ رخام گچی در یک معبد بودایی متعلق به سده‌های دوم و سوم است بدست آمده است. (شکل ۷۰)
- وَرْخْشَه در پیرامون بخارا که یک سردیس سنگی از یک زن در آن بدست آمده است. (شکل ۷۱)
- بال‌بال‌های زیادی در مناطق مختلف فرارود پیدا شده که نمونه‌های متنوعی از آن با درون مایه‌های گوناگون در قزاقستان است مانند بال‌بال‌های یافت شده در طراز و ترکستان (شکل ۷۲) و در تاجیکستان بال‌بال‌هایی در بوت قیخ مزار و همچنین در جیرقتال (شکل ۷۳) بدست آمده است.

پیکره‌های چوبی:

- کوه فان (کوه سرخ) در شمال دوشنبه نزدیک شهر عینی در تاجیکستان واقع است که در غاری در این کوه پیکره چوبی به ارتفاع یک متر یافت شده که سربند مفرغی، تاج مفرغی، چکمه‌های چرمی و اتصالات فلزی از مفرغ و آتشدان مفرغی نیز همراه آن پیدا شده است که گمان می‌رود مربوط به یک خدای سغدی و شاید میترا باشد. (شکل ۷۴)

پیکره‌های گچی: از دیگر آثار هنر سغدی می‌توان به مجسمه‌های گچی یا ترکیبی از خاک رس و گچ یاد کرد. مهمترین این پیکره‌ها عبارتند از:

- اَجْنَه تپه (آژینا تپه) نزدیک فُورغان تپه در جنوب تاجیکستان پیکره عظیم بودای خوابیده ۱۲ متری پیدا شده است. (شکل ۷۵)
- پَنجیکَنت در شرق تاجیکستان که مجسمه شیوا با زنش پارواتی و همچنین پیکره شیری آرمیده متعلق به سده‌های ششم تا هشتم میلادی (شکل ۷۶) در آنجا بدست آمده است.

وسایل سنگی:

هاون سنگی یافت شده در تورکول تپه نزدیک شهر طراز در جنوب قزاقستان با نقوش گیاهی و جانوری متعلق به سده هفتم میلادی است. (شکل ۷۷) و آتشدان‌های سغدی یافت شده در سمرقند از نمونه‌ای از این وسایل است. (شکل ۷۸)

نوشته‌های منقوش:

نوشته‌های منقوش مانوی که اغلب در تورفان در اویغورستان یافت شده است. در این تصاویر مانوی و شاگردانش و مجالس مذهبی نشان داده شده است. (شکل ۷۹)

مهرها و مدال‌های سغدی:

مهرها و مدال‌های زیادی از جنس طلا، نقره، مفرغ و سنگهای لاجورد، فیروزه و سایر سنگ‌های تزئینی در فرارود بدست آمده است.^{۲۲} اغلب این مهرها و مدال‌ها دارای نقوش انسانی و جانوری با درون‌مایه‌های اساطیری متنوعی است. نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

- پَنجیکَنت سکه‌ای زرین متعلق به سده پنجم میلادی با یک نقش اسطوره‌ای که دو کودک از پستان شیری شیر می‌نوشند. (شکل ۸۰)
- محوطه تاریخی شیرین در تاجیکستان یک مدال از سنگ با روکش زرین متعلق به سده‌های چهارم تا پنجم میلادی که در یک طرف نقش یک زن را دارد و در سوی دیگر نقش یک مرد که کاسه‌ای در دست دارد و گیاهی در جلوی پایش قرار دارد. (شکل ۸۱)
- محوطه تاریخی یاوان در تاجیکستان یک مدال از سنگ فیروزه با لبه‌ای از نقره متعلق به

سده‌های چهارم و پنجم میلادی که نقش یک سوار را دارد. (شکل ۸۲)
همچنین مهره‌های دیگری دارای تصاویر انسانی و جانوری متنوعی است که در پنجیکنت، کافرقلعه بدست آمده است.^{۲۳}

مهمترین داده‌های تاریخی مادی غیر مکتوب ایران دوره ساسانی: شامل تعدادی کتیبه‌های حجاری شده و تعداد زیادی ظروف زرین و سیمین منقوش و موزاییک‌های تزئینی است که به شرح زیر می‌آید:

نقش برجسته‌ها: نقش برجسته‌های ساسانی به‌طور کامل متعلق به سده سوم میلادی و در محدوده منطقه پارس خاستگاه اصلی ساسانیان است. از زمان شاپور دوم به بعد آثار تاریخی ساسانی در پارس به چشم نمی‌خورد. به جز غار خسرو و طاق بستان که به ترتیب متعلق به سده‌های چهارم و ششم میلادی هستند.^{۲۴}

- چهار نقش برجسته از اردشیر اول دوتا در فیروزآباد یکی در نقش رجب که در آن اردشیر سوار بر اسب بر بالای پیکر مرده اردوان ایستاده و اهورامزدا که او نیز بر اسبی نشسته است بر بالای پیکر اهریمن و در روبروی اردشیر قرار دارد و در حال اعطای نماد پادشاهی به اوست و یکی در نقش رستم که در آن اردشیر سمت چپ و اهورامزدا سمت راست است.
- هشت نقش برجسته از شاپور اول دوتا در نقش رجب دوتا در نقش رستم که در یکی پیروزی شاپور اول بر فیلیپ عرب را نشان می‌دهد و در دیگری شاپور اول پیروزی خود را بر امپراتور روم نشان داده است و چهارتا در بیشاپور؛
- یک نقش برجسته از بهرام اول در بیشاپور؛
- پنج نقش برجسته بهرام دوم که علاقه زیادی به نقش تصویر از خود و خانواده خود داشت؛ دوتا در نقش رستم یکی در نقش بهرام که در آن بهرام دوم و دخترش اپور دختک در برم دَلک و یکی در بیشاپور و یکی در سرمشهد؛
- یک نقش برجسته از نرسی در نقش رستم (نرسی و آناهیتا در حال دریافت نماد سلطنت)؛
- یک نقش برجسته از هرمز دوم در نقش رستم؛

23. G. Azarpay. ART IN IRAN vi. PRE-ISLAMIC EASTERN IRAN AND CENTRAL ASIA. Encyclopaedia Iranica. Vol. II, Fasc. 6, pp. 595-603.

۲۴. علی اکبر سرافراز، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی (تهران: مارلیک، ۱۳۹۲) ص ۲۹۲-۲۹۳.

- یک نقش برجسته از اردشیر دوم
 - یک نقش برجسته از شاپور دوم در طاق بستان که در آن اهورامزدا، آناهیتا و اردشیر دوم بصورت ایستاده نقش شده اند؛
 - دو نقش برجسته از خسرو پرویز در طاق بستان که در یکی خسرو پرویز با اهورامزدا میترا و آناهیتا (شکل ۸۳) و در دیگری خسرو پرویز با لباس سنگین اسلحه سوار بر اسب نقش شده‌اند.
- این موارد کل نقش برجسته‌های به جا مانده از دوران ساسانی را شامل می‌شود. در این نقش برجسته‌ها علاوه بر اهورامزدا، میترا و آناهیتا بزرگان ساسانی نیز با کلاه نشاندار در نقش رجب و نقش رستم نشان داده شده‌اند. از جمله کَرتیر در نقش رجب که تنها کسی غیر از خاندان شاهی است که دوکتیبه و یک نقش برجسته دارد.
- بنیاد این نقش برجسته‌ها کاملاً انتزاعی و غیر واقعی است و قصد هنرمندان نمایانند عظمت و شکوه شاه بوده است. به نحوی که در این نقش برجسته‌ها خدا و شاه که بر اسب نشسته‌اند اندازه برابری دارند و تاج شاه حتی بلندتر از تاج کنگره دار خداست؛ پاهای شاه و اهورامزدا از روی اسب تا زمین امتداد یافته است! این بزرگی و عدم تناسب عمده‌ی بوده و معنای خاصی را که همان عظمت شخصیت شاه است نمایش می‌دهد. اسب‌ها در این نقوش با اینکه افسار شلی دارند ولی گردن خود را خم کرده‌اند که با شکوه بیشتری به نظر آیند^{۲۵}؛ سم اسب بر سر دشمن قرار دارد؛ دشمن و اهریمن هر دو به سان یکدیگر بر خاک افتاده‌اند؛ جالب این که این صحنه متحرک با یک تصویر ساکن در آمیخته است و آن نقش خدمتکار پشت سر شاه است که با مگس پران ایستاده است. درون‌مایه‌های مذهبی در این نقش برجسته‌ها به ندرت نمایش داده شده و اهورامزدا، آناهیتا و میترا همواره در کنار شاه و در حال مشروعیت دادن به شاه تصویر شده‌اند^{۲۶}. از دیگر بنیادهای نقش برجسته‌های ساسانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- نقش برجسته نخجیرگاه در طاق بستان که منظره کاملی از شاه و درباریان و انواع جانوران را در حال شکار در نخجیرگاه شاهنشاهی نشان می‌دهد. (شکل ۸۴)
 - آناهیتا در طاق بستان که به سان یک فرشته بال گشوده و حلقه پادشاهی بر دست دارد. (شکل ۸۵).

۲۵. ایدت پرادا. هنر ایران باستان. ترجمه یوسف مجید زاده. تهران: دانشگاه تهران، ۲۳۵۷، ص ۲۹۵.

۲۶. رومن گیرشمن. هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی. ترجمه بهرام فره وشی. تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲-۱۷۸.

و همچنین یک پیکره ایستاده از شاپور اول نیز در غاری در نزدیک بیشاپور به جای مانده است.

فلزکاری ساسانی: مواد آثار فلزی دوره ساسانی اغلب زرین و سیمین است و آثار مهم هنری از سایر فلزات کم ارزش تر مانند آهن، مس، مفرغ در این دوره بسیار نادر است. درون مایه‌های نقوش این آثار شامل موارد زیر است: نقش رامشگران برهنه و نیمه برهنه؛ نقش شاه در حال شکار؛ نقش اعطای منصب؛ نقش شاه که بر تخت نشسته؛ نقش مجلس شاه؛ نقش شاه در حال جنگ؛ نقش مجلس بزم، رامش‌گری، خُنیاگری و میگساری و همچنین نقش جانوران حقیقی یا افسانه‌ای. این نقوش نیز مانند نقش برجسته‌های ساسانی غیر واقعی هستند و اغلب در جهت بروز عظمت و شکوه شاهنشاهی به کار رفته‌اند. چنان که شاه سوار بر اسب که با سرعت می‌تازد و در حال پرتاب تیر است همچنان تاج بزرگ خود را بر سر دارد! درون مایه‌های این نقوش نزدیکی زیادی با نقش برجسته‌های سنگی دارد. در ایجاد این صحنه‌ها هرگز نمی‌توان بنیادهای حقیقی را مشاهده کرد؛ مانند شاه در حال چهار نعل تاختن که هنوز تاج بر سر دارد! و تعداد زیادی جانور به نحو اغراق آمیز شاه شکارگر را احاطه کرده است! یا شاه در نبرد با شیر، ببر، گراز به فراوانی دیده می‌شود که نشان قدرت ماورائی اوست. همچنین در تصویرهای شکار شاهان بصورت قابل توجهی حیوانات نسبت به سایر افراد انسانی حاضر در صحنه با ذوق و دقت بیشتری رسم شده‌اند! تعدادی از مشهورترین این آثار به شرح زیر آمده‌اند:

- زنان رامشگر و الهه‌ها در حال رامشگری (شکل ۸۶)
- زنان خُنیاگر (شکل ۸۷)
- مجلس بزم و میگساری (شکل ۸۸)
- نقش شاه در شکار و نخجیرگاه ۲۷ (شکل ۸۹)
- نقش شاه نشسته بر تخت شاهی ۲۸ (شکل ۹۰)
- نقش شاه در حرم و خلوتخانه (شکل ۹۱)
- سردیس شاپور اول (شکل ۹۲)

۲۷. نادر داودی، آثار ایران در موزه متروپولیتن، (تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۸۲)

۲۸. محمد معمار زاده، آثار ایرانی موجود در کاخ موزه ارمیتاژ سن پترزبورگ روسیه، (تهران: صدف سما، دانشگاه

موزاییک‌ها: تمامی موزاییک‌های دوره ساسانی مربوط به اوایل دوره ساسانی و در بیشاپور است که اغلب درون‌مایه آنها در پیوند با زنان و شاهزادگان درباری در حال گردش و پرده‌نوازی نمایش می‌دهد. برخی از مهمترین موزاییک‌های بیشاپور متعلق به سده سوم میلادی عبارتند از: بانوی درباری چنگ نواز؛ بانوی درباری پرده نشین؛ بانوی درباری با دسته گل (شکل ۹۳)

نقوش ابریشمی: تکه پارچه ابریشمی با نقش خسرو دوم در حال جنگ بجا مانده است که درون مایه آن شباهت زیادی به نقش برجسته‌ها و نقوش فلزی دارد. (شکل ۹۴)

مدال‌ها: یک مدال سنگی از نقش پیروزی شاپور اول بر والرین بدست آمده است. (شکل ۹۵)

سفالینه‌ها: سفال ساسانی پیشرفت قابل توجهی نداشته هنر سفالگری در این دوره نسبت به دوره‌های پیش و پس از خود از افول چشمگیری هم به لحاظ شکل و هم از نظر نقش داشته است.

نتیجه‌گیری

هنر فرارودی هم زمان با دوره ساسانی دارای گوناگونی زیادی در مواد، بنیادها و درون‌مایه‌ها می‌باشد. داده‌های تاریخی آثار مادی برجای مانده در فرارود داده‌هایی از فرهنگ عمومی فرارودیان شامل دین‌ها و آیین‌های مذهبی، آداب و رسوم گوناگون، جشن‌ها، سوگواری‌ها، رقص و موسیقی بومی، بازی‌های محلی، خوراک و پوشاک مردم و همچنین سرشار از افسانه‌ها، اسطوره‌ها، حماسه‌ها، داستان‌های پهلوانی و روایت‌های عاشقانه و حکایت‌های پندآموز است. بررسی آثار تاریخی غیر مکتوب در فرارود داده‌های تاریخی با اهمیتی از حیات تاریخی نیرومند و بادوام طبقه دهقان-بازرگان در سرزمین فرارود را در اختیار ما قرار می‌دهد. هنر فرارود مقارن دوره ساسانی بازنمایی بصری گسترده‌ای از فرهنگ دهقانان و بازرگان فرارودی دارد. این فرهنگ پربار حامل مفاهیم گوناگون اجتماعی و مقوله‌های خدای نامه‌ای و شاهنامه‌ای ایرانی بوده است.

هنر ساسانی بر خلاف هنر فرارودی دارای تنوع زیادی در مواد نیست و بنیادها و درون‌مایه‌های آن دارای محدودیت مشهودی می‌باشد. داده‌های تاریخی آثار برجای مانده در ایران ساسانی شامل فرهنگ عمومی جامعه نمی‌شود و محدود در دربار ساسانی باقی مانده است. بررسی آثار تاریخی

غیر مکتوب ساسانی داده‌های تاریخی واجد اهمیتی از طبقات متوسط و فرودست جامعه ساسانی در اختیار ما قرار نمی‌دهد و منحصر به عظمت و شکوه شاهنشاهی ساسانی است. هنر ساسانی فاقد بخش مهم هنر مذهبی عمومی است و فقدان غیر قابل توجهی در اسطوره‌ها و حماسه‌ها و داستان‌های پهلوانی شاهنامه دارد. هنر ساسانی از نمایش حیات تاریخی سایر طبقات اجتماعی به جز شاه و درباریان محروم است. هنر ساسانی تمرکز خود را به باز نمایی بصری قدرت شاهنشاهی ساسانی معطوف داشته و به واسطه جنبه‌های تجسمی اش بیان‌گر قدرت خدای گونه شاه بر جامعه و حریف بلا منازع در برابر دشمنان خارجی خود می‌باشد. این هنر توجهی به بخش‌های مختلف جامعه خود ندارد و این عدم بازنمایی فرهنگ عمومی در جامعه ساسانی نشانه تضعیف سایر طبقات و گروه‌های اجتماعی در این جامعه است. مفهوم اقتدار و حاکمیت مطلق و مقوله عظمت و شکوه شاهنشاهی اصلی‌ترین بار مفهومی هنر ساسانی است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هنر فرارود مقارن دوره ساسانی برخوردار از مفاهیم و نمادهای فرهنگ عمومی ایرانی بوده و در بنیادها و درون‌مایه‌های خود بازنمایی بصری گسترده‌ای از فرهنگ محلی دهقانان و بازرگان فرارودی دارد. هنر ساسانی با عدم برخوردار از مفاهیم و نمادهای فرهنگ عمومی جامعه ایران در بنیادها و درون‌مایه‌های خود تمرکز زیادی در بازنمایی بصری قدرت شاهنشاهی ساسانی دارد. هنر فرارودی یک تعادل و تناسبی در بازنمایی واقعیت‌های تاریخی جامعه فرارود دارد و دارای سادگی و بی‌پیرایگی و در عین حال یک شیوایی دلپذیر در بیان هنری است. در حالی که هنر ساسانی یک عدم تعادل و تناسبی در بازنمایی واقعیت‌های تاریخی جامعه ساسانی داشته و پر از تجمل و خودنمایی بوده و در بیان هنری دارای بزرگنمایی و اغراقی شگفت‌آور است.

هنر فرارودی پر معنا، با مواد کم بها و با داده‌های تاریخی حداکثری که در همه انواع خود کاربرد همگانی در جامعه دهقان و بازرگان فرارودی هم عصر ساسانی داشته است. در حالی که هنر ساسانی پرتجمل، با مواد گرانبها و با داده‌های تاریخی حداقلی که در گروه ابزارها و صنایع کاربرد اختصاصی برای اقلیت خواص جامعه داشته و در گروه نقش برجسته‌ها و بناها بیانگر عظمت و شکوه امپراتوری برای عوام بوده است.

به نظر می‌رسد که هنر فرارودی هم عصر ساسانی در انتقال خانه به خانه بنیادها و درون‌مایه‌های هنری فرهنگ ایرانی و در میان افکار عمومی همه طبقات اجتماعی نقش مهمی ایفا کرده است. در حالی که هنر ساسانی یا هنر مطبوع کاخ نشینان است و یا اعلامیه‌هایی از مشروعیت

و اقتدار شاهنشاه است که بر سر گذرگاه‌ها برای نشان دادن به طبقه عوام جامعه قرار داده شده است.

کتاب‌نامه

بلنیتسکی، الکساندر مارکوویچ. هنر تاریخی پنجیکنت نقاشی و پیکرتراشی. ترجمه عباس علی عزتی. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۰.

پرادا، ایدت. هنر ایران باستان. ترجمه یوسف مجید زاده. تهران: دانشگاه تهران، ۲۳۵۷.
پوگاخپکوا، گالینا. هنر در آسیای مرکزی. ترجمه ناهید کریم زندی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۲.

داودی، نادر. آثار ایران در موزه متروپولیتن. تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
دریایی، تورج. امپراتوری ساسانی. ترجمه خشایار بهاری. تهران: فرزانه، ۱۳۹۳.
_____ تاریخ و فرهنگ ساسانی. ترجمه مهرداد قدرت دیزجی. تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.
_____ ساسانیان. ترجمه شهرناز اعتمادی. تهران: توس، ۱۳۹۳.

_____ شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
رایس، تامارا تالبوت. هنرهای باستانی آسیای مرکزی. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: گستره، ۱۳۸۹.
سرافراز، علی اکبر. باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی. تهران: مارلیک، ۱۳۹۲.

فرامکین، گراگور. باستان شناسی در آسیای مرکزی. ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

گیرشمن، رومن. هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی. ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۹۰.
معمار زاده، محمد. آثار ایرانی موجود در کاخ موزه ارمیتاژ سن پترزبورگ روسیه. تهران: صدف سما، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸.

Arapov, Alexey. *Historical monuments of Uzbekistan*. Tashkent, 2007.

Azarpay, G. ART IN IRAN vi. PRE-ISLAMIC EASTERN IRAN AND CENTRAL ASIA. Encyclopaedia Iranica. Vol. II, Fasc. 6, pp. 595-603.

Compareti, Matteo. "Aeriasiab ii. Wall Paintings," Encyclopaedia Iranica, I/6, p. 577

Compareti, Matteo. "Classcal elements in Sogdian art," Iranica Antiqua XLVII · January 2012

Ernazarov, E. The Bukhara state architectural artistic museum reserve. Tashkent, 2004.

Gulacsi, Zsuzsanna. "MANICHEAN ART". Encyclopaedia Iranica.

Karamatov, Hamidulla. Termez an ancient and modern city at an important crossroads.

Tashkent publishing poligraphic share company SHARG, 2001.

Kelyeva, Olga. Light from the depth of centuries. tashkent. sharq. 1998.

Marshak ,Boris I. Panjikit..Encyclopaedia Iranica.

Masov, R. The album national museum of antiquities of Tajikistan.

Matrsulov, Sh. Khiva. Tashkent, sharq, 2007.

Mode, Markus. SOGDIANA vi. SOGDIAN ART. Encyclopaedia Iranica.

Sodikova, Naphisa. National uzbek clothes. Tashkent, 2003.

Wang, Shumei. A collection of important historical sites and relics in the western regions. xinjiang people s puplishing press, 1999.

zyeva, A. *A song in metal*. tashkent, 1986.





۱- دیوار نگاره‌ای با مضمون افسانه تخم طلا از افسانه‌های ازوپ، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)



۲- طرحی از دیوار نگاره سوگواری سیاوش، پنجیکنت (برگرفته از فرامکین)



۳- طرحی از دیوارنگاره نیایشگاه، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)



۴- طرحی از دیوارنگاره با مضمون هموردی حماسی، پنجیکنت

۵- طرحی از دیوارنگاره نیایش در معبد، اتاق رستم، پنجیکنت (برگرفته از مقاله مارشاک)



۶-۲ دیوارنگاره میدان نبرد بخش سمت چپ، پنجیکنت، نگهداری در موزه هرمیتاژ (برگرفته از ماسوف)

۶-۱ دیوارنگاره میدان نبرد بخش سمت راست تصویر، پنجیکنت، نگهداری در موزه هرمیتاژ (برگرفته از ماسوف)

۷- طرحی از دیوارنگاره داستان خدایان، اتاق رستم، پنجیکنت (برگرفته از مقاله مارشاک)





۹- دیوارنگاره داستان سر چشمه بخش سمت راست، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)



۸- طرحی از دیوارنگاره بازی تخته نرد، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)



۱۰- دیوارنگاره سواران، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)

۱۱- طرحی از دیوارنگاره ضیافت، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)





۱۲-۲- دیوارنگاره دواشتیچ شاه پنجیکنت، پنجیکنت، نگهداری در موزه هرمیتاژ (تصویربرداری نگارنده)



۱۲-۱- دیوارنگاره ضیافت مردان سغدی، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)



۱۳- دیوارنگاره نبرد رستم با ازدها، پنجیکنت، موزه هرمیتاژ (تصویربرداری نگارنده)



۱۴- دیوارنگاره تشریفات مذهبی، پنجیکنت، نگهداری در موزه ملی تاجیکستان در دوشنبه (تصویربرداری نگارنده)



۱۶- طرحی از دیوارنگاره نبرد دیوان، پنجیکنت (برگرفته از بلنیتسکی)



۱۵- دیوارنگاره نقش اهریمن، پنجیکنت (برگرفته از ماسوف)



۱۷- دیوارنگاره با نقش خدای سه سر، پنجیکنت (برگرفته از ماسوف)

۱۸- دیوارنگاره شکارچی فیل سوار، ورخشه (برگرفته از کلیوا)



۱۹- دیوارنگاره نیایشگاه،
ورخشه (برگرفته از ارنظروف)



۲۰- دیوارنگاره سفیران،
تپه افراسیاب (تصویربرداری
نگارنده)



۲۱- دیوارنگاره حاملان هدایا، تپه افراسیاب (برگرفته از پوگاکچکوا)



۲۲- دیوارنگاره زنان سوار بر زورق، تپه افراسیاب (برگرفته از عربوف)





۲۳- طرحی از دیوارنگاره کشتی
گیران، تپه افراسیاب

۲۴- دیوارنگاره حاملان هدایا، اجنه تپه (اژینا تپه)؛
(برگرفته از یوگاخچکوا)



۲۵- دیوارنگاره میهمانی، اجنه تپه (اژینا تپه)؛ (برگرفته
از گیشمن)

۲۶- دیوارنگاره ضیافت، بالالیق تپه (بالالیک تپه)؛
موزه ملی سمرقند (تصویر برداری نگارنده)





۲۸- دیوارنگاره راهبان نستوری، تورفان،
نگهداری در موزه برلین (برگرفته از گیرشمن)



۲۷- دیوارنگاره مانی و پیروانش، تورفان، نگهداری در موزه
برلین (برگرفته از وانگ)



۳۰- دیوارنگاره زنان اویغور، بزکلیک، نگهداری در موزه
برلین



۲۹- حاملان هدایا از سغد، بزکلیک،
(برگرفته از وانگ)



۳۲- دیوارنگاره شاهزادگان تخارستانی، قزل، سده ۵-۶ میلادی، نگهداری در موزه برلین



۳۱- دیوارنگاره مردان اویغور، بزکلیک، نگهداری در موزه برلین



۳۴- طرحی از استودان توک قلعه (برگرفته از فرامکین)



۳۳- دیوارنگاره شاگردان بودا، غار قزل، ۶۰۰ میلادی



۳۵- طرحی از استودان بیانیمان (برگرفته از فرامکین)



۳۶- استودان یومالاک تپه، موزه شهر سبز. سده ششم و هفتم میلادی



۳۷- استودان با نقش الهه‌ها، سمرقند، موزه ملی سمرقند، سده ۷ و ۸ میلادی (تصویر برداری نگارنده)



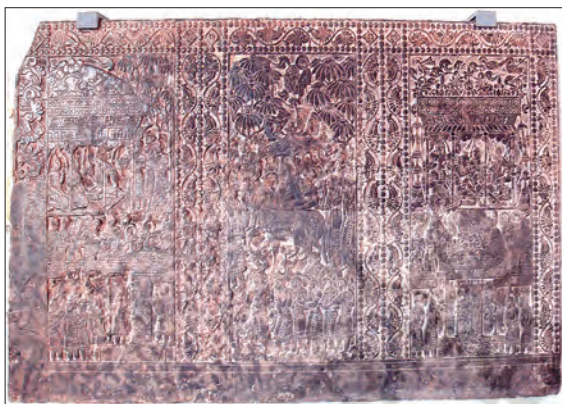
۳۹- استودان به شکل انسان، کوی کرلیکان قلعه (برگرفته از یوگاخپکوا)



۳۸- استودان ملاقورغان، سده هفتم میلادی، موزه افراسیاب سمرقند (تصویر برداری نگارنده)



۴۰- نقش تابوت، توبا، ازبکستان سده ۵ میلادی (برگرفته از ماسوف)



۴۲- نقش برجسته سغدی، کشف شده در شهر آنیانگ چین، نگهداری در موزه ملی هنر گویمت پاریس، متعلق به سده ششم میلادی



۴۱- نقش برجسته بودا، فیاض تپه (تصویربرداری نگارنده)



۴۴- نقش خدای جنگ، دلبرجین تپه (دالورزین تپه) سده ۶-۷ میلادی (برگرفته از پوگاخپکوا)



۴۳- نقش خدایان، دلبرجین (دالورزین تپه)، سده ۶ و ۷ میلادی (برگرفته از پوگاخپکوا)



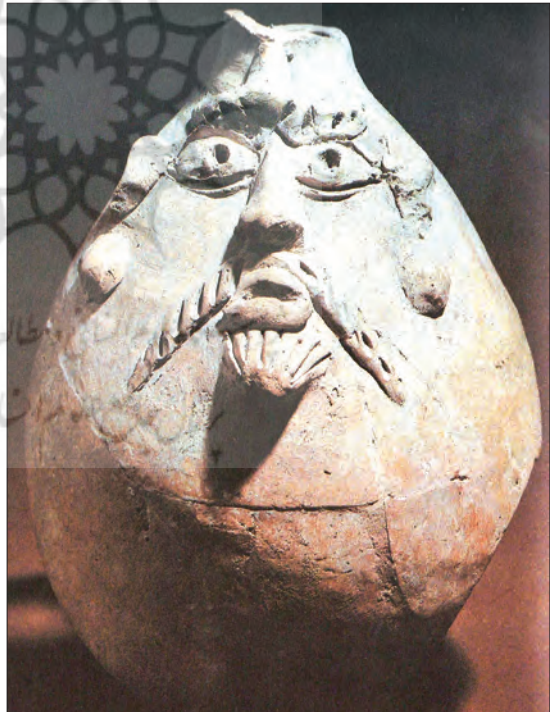
۴۶- نقش زندگی، گلدان مرو (برگرفته از پوگاخیکوا)



۴۵- نقش شکارچی، ورخشه (برگرفته از پوگاخیکوا)



۴۸- نقش شکار شیر، کافرقلعه، سده ۷ میلادی (برگرفته از ماسوف)



۴۷- کوزه با نقش یک مرد سغدی، کافرقلعه، سده ۷-۸ میلادی (برگرفته از پوگاخیکوا)



۵۱- کوزه سفالی با سه دسته بانقش الهه‌ها، بورازان نزدیک ختن، سده ۵ و ۶ میلادی، نگهداری موزه برلین،



۵۰- کوزه با نقش یک مرد سغدی، دره چو، سده ۷ و ۸ میلادی (برگرفته از پوگاخپکوا)



۴۹- نقشی از یک خدای مرد، پوشنگ، دنگره، تاجیکستان، سده ۴ میلادی (برگرفته از ماسوف)



۵۴- حکاکی روی یک ستون چوبی، آب بردان، سده ۷ میلادی (برگرفته از کلیوا)



۵۳- طرحی از یک کنده کاری روی در چوبی، پنجیکنت (برگرفته از مقاله مود)



۵۲- پیکره زن سغدی حکاکی روی چوب، پنجیکنت، سده ۸ میلادی (برگرفته از ماسوف)



۵۶- قاب نقره با نقش آناهیتا سوار بر پلنگ به همراه خدایان زرتشتی و جانوران، خوارزم، سده ۷ و ۸ میلادی، نگهداری در موزه هرمیتاژ

۵۵- جام نقره با نقش، سیمرغ، نگهداری در موزه هرمیتاژ، سده ۷ میلادی

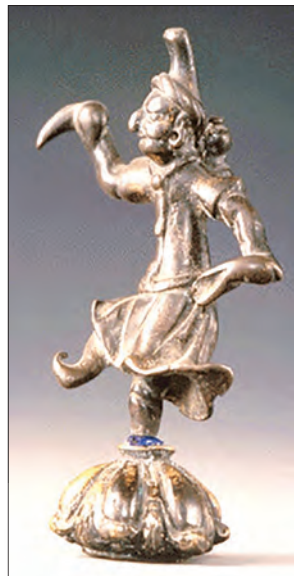


۵۸- جام نقره‌ای با نقوش اسطوره‌ای سده ۵ میلادی (برگرفته از زیبوا)

۵۷- کاسه مفرغی با نقش یک مرد سوار، خوارزم، سده ۷ میلادی (برگرفته از پوگاخپکوا)



۶۰- پیکره سفالی زن و مرد، فندقستان،
سده ۶ و ۷ میلادی (برگرفته از گیرشمن)



۵۹- پیکره برنزی مرد سغدی در حال پایکوبی، متعلق به
سده هفتم میلادی، موزه شهر شانندان استان گانسو چین



۶۲- سردیس گلی مشهور به سر شیطان، قبا، سده ۷
میلادی (برگرفته از پوگاکچکوا)



۶۱- سردیس گلی یک زن سغدی، توپراق قلعه، سده ۲ و ۳
میلادی (برگرفته از پوگاکچکوا)



۶۴- سردیس گلی مرد سغدی، زکو تپه، رگر، تاجیکستان، سده ۵ میلادی (برگرفته از ماسوف)



۶۳- بیکره گلی زن سغدی، ترمذ، پیش از اسلام، موزه شهر ترمذ (تصویربرداری نگارنده)



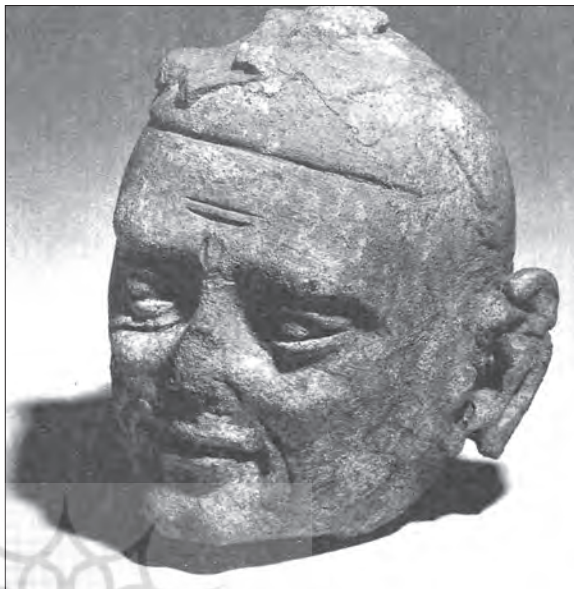
۶۶- بیکره گلی، آناهینا، تپه افراسیاب (تصویربرداری نگارنده)



۶۵- بیکره های سفالی، رامشگران سغدی، کوچا (تصویربرداری نگارنده)



۶۸- بیکره گلی زن سغدی، سمرقند،
پیش از اسلام (برگرفته از بوگاخپکوا)



۶۷- سردیس گلی، راهب، اجنه تپه (آزینا تپه)، سده ۸ و ۷ میلادی
(برگرفته از بوگاخپکوا)



۷۰- بیکره سنگی زن چنگ نواز، معبد آیرتام، سرخان
دریا، سده ۲ میلادی (برگرفته از زیبوا)



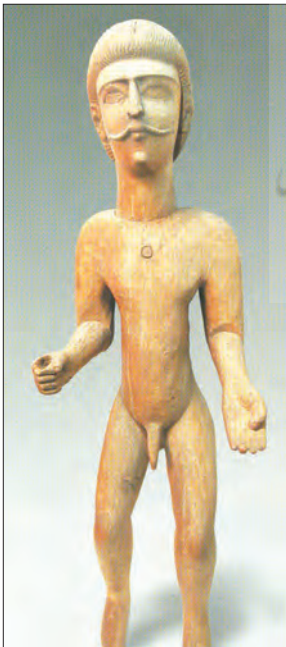
۶۹- بیکره گلی زن خنیاگر، سمرقند، پیش از اسلام
(تصویربرداری نگارنده)



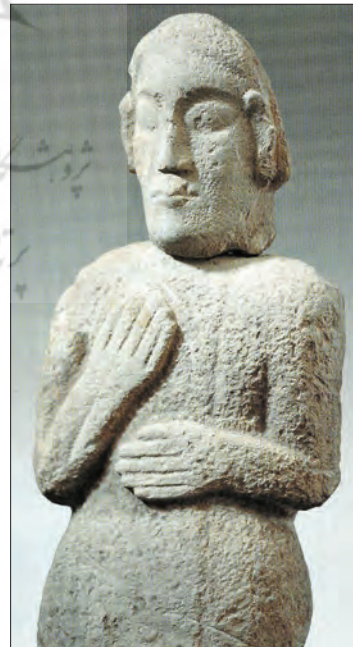
۷۲- بال بال سنگی، در شهر ترکستان
در قزاقستان (تصویربرداری نگارنده)



۷۱- سردیس سنگی، زن سغدی، ورخشه، سده ۷ و ۸ میلادی
(برگرفته از پوناخپکوا)



۷۴- پیکره چوبی
اهورامزدا یا میترا، سده ۶
میلادی، کوه سرخ،
عینی، تاجیکستان
(برگرفته از ماسوف)



۷۳- بال بال سنگی،
بوت قبیخ مزار، تاجیکستان،
سده ۶ و ۷ میلادی
(برگرفته از ماسوف)



۷۵- پیکره بودا به حالت خوابیده، اجنه تپه (اژینا تپه)، موزه ملی تاجیکستان در دوشنبه (تصویربرداری نگارنده)



۷۶- نقش برجسته شبیر آرمیده، ترکیب گچ و خاک رس، پنجیکنت (تصویربرداری نگارنده)



۷۸- آتشدان سنگی، سغد (تصویربرداری نگارنده)



۷۷- هاون سنگی با نقوش گیاهی و جانوری، سمرقند (تصویربرداری نگارنده)



۸۰- سکه زر با نقش اسطوره‌ای، پنجیکنت، موزه ملی تاجیکستان، برگرفته از ماسوف،



۷۹- کتاب مصور با نقوش مانوی، بخش راست تصویر، تورفان، نگهداری در موزه برلین (برگرفته از گولاکسی)



۸۲- مدال فیروزه با نقش مرد سوار، سده چهارم و پنجم میلادی، برگرفته از ماسوف



۸۱- مدال سنگ فیروزه با روکش زرین نقش مرد ایستاده با کاسه، سده چهارم و پنجم میلادی، برگرفته از ماسوف



۸۳- نقش برجسته اردشیر دوم، اهورامزدا و میترا، طاق بستان، سده ۴ میلادی (تصویربرداری نگارنده)



۸۴- نقش برجسته نخجیرگاه، طاق
بستان، سده ۵ میلادی (تصویر برداری
نگارنده)



۸۵- نقش برجسته آناهیتا، طاق بستان
(تصویر برداری نگارنده)



۸۷- جام نقره با نقش چهار خنیاگر، سده ۶ میلادی
(برگرفته از گیرشمن)



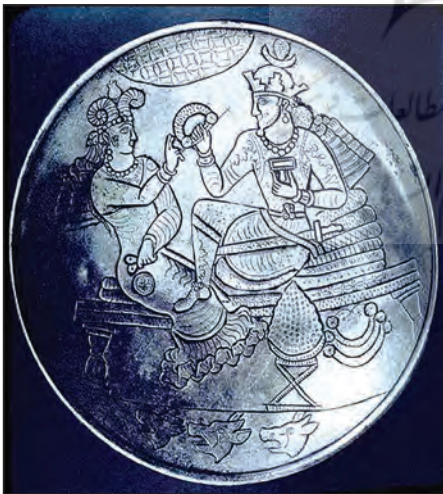
۸۶- جام نقره، با نقش رامشگران، سده ۶-۷
میلادی (برگرفته از گیرشمن)



۸۹- قاب نقره با نقش شاپور دوم در شکار شیران،
نگهداری در موزه هرمیتاژ سده ۴ میلادی



۸۸- قاب نقره زراندود، مجلس بزم، دوره ساسانی
(برگرفته از گیشمن)



۹۱- قاب نقره شاه و ملکه در خلوتگاه، سده ۵ و ۶ میلادی
(برگرفته از گیشمن)



۹۰- قاب نقره با نقش خسرو یکم نشسته بر تخت، سده
۶ میلادی (برگرفته از گیشمن)



۹۳- موزاییک، بانوی چنگ نواز، بیشاپور، سده ۳ میلادی
(تصویربرداری نگارنده)



۹۲- سردیس شاپور یکم از نقره (برگرفته از داودی)



۹۴- پارچه ابریشم، با نقش خسرو دوم در نشسته بر تخت، سده ۷ و ۶ میلادی (برگرفته از گیرشمن)



۹۵- حکاکی روی سنگ، با نقش پیروزی شاپور یکم بر والرین، سده ۴ میلادی (برگرفته از گیرشمن)



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی